

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »  
۰۱ اگست ۲۰۱۶

## تفسیر احمد - ۱۷

ترجمه و تفسیر سوره الشرح- ۱

سورة الشرح در « مکه » نازل شده و دارای ۸ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳) وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷) وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

### معلومات موجز:

«سورة الشرح» مکی، و دارای (۱) رکوع، (۸) هشت آیت، (۲۷) بیست و هفت کلمه، (۱۰۲) یکصد و دو حرف، و (۳۷) سی و هفت نقطه است.

مفسرین می گویند: این سوره بدان جهت « شرح» یا «انشراح» نامیده شد که از شرح صدر نبی اکرم صلی الله علیه وسلم یعنی روشن کردن و گشاده داشتن آن با نور هدایت و حکمت و ایمان، خبر می دهد. از متن و محتوای این سوره و هماهنگی اش با سوره « الضحی » به وضاحت معلوم می شود که هر دو در شرایط یکسان و یکی پی دیگر، نخست « الضحی » و سپس « الشرح » نازل شده .

سوره « الضحی » را چنان می یابیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم در محاصره مشکلات شدید است، فشارها، تهدیدها و مشکلات چون پرده تاریک شب بر او سایه افکنده. در سوره الضحی به او اطمینان داده می شود که پرده تاریک این شب ظلمانی دریده خواهد شد، فجر آینده روشن طلوع خواهد کرد و به آینده بهتری نائل خواهی آمد. در سوره « الشرح » می خوانیم که « بار کمر شکن» از دوشش برداشته شده، « الشرح صدر» نائل گردیده، کارش رونق یافته و شهرتش بالا رفته، برخی از دشواری ها و مشکلات رفع شده و از ناحیه حل حتمی دشواری های باقی مانده به او اطمینان داده می شود.

اسباب نزول :

وقتی که مشرکان به دلیل فقر و تهیدستی مسلمانان را مورد سرزنش قرار دادند، این سوره نازل شد. ابن جریر از حسن (رض) روایت کرده است: هنگامی که پروردگار متعال آیت «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را نازل کرد، رسول الله گفت: شاد باشد که آرامش و راحت نصیب شما شد و هرگز یک سختی و بیچارگی نمی تواند دو راحتی و آسایش را مغلوب کند.

### آشنایی با سوره انشراح:

مفسرین در این مورد همه متفق القول اند که: این سوره بعد از سوره «والضحی» نازل شده و محتوای آن نیز همین مطلب را تأیید می کند. در این سوره قسمتی از مواهب الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شمرده شده است و در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره والضحی آمده و سه موهبت بزرگ الهی در سوره انشراح آمده است. مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارد و بر سه محور دور می خورد.

یکی بیان همین نعمتهای سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر صلی الله علیه وسلم، از نظر برطرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریص و ترغیب به عبادت و نیایش.

مجموع این سوره بیانگر عنایت خاص الهی به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم و تسلی او در برابر مشکلات و وعده نصرت و تأیید او در برابر مشکلات و فراز و نشیبهای راه رسالت است.

اگر کسی حالات پیامبر صلی الله علیه وسلم را دقیقاً مطالعه کند و میزان شرح صدر او را در حوادث سخت و پیچیده دوران زندگی اش بنگردد یقین می کند که این از طریق عادی ممکن نیست، بلکه يك تأیید الهی و ربانی است. به خاطر همین شرح صدر بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عالیترین وجهی مشکلات رسالت را پشت سر گذاشت و وظایف خود را در این راه به خوبی انجام داد.

در سوره انشراح لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار و تسلی و دلداری به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم است.

در این سوره از پیامبر صلی الله علیه وسلم می خواهد که با توجه به این آثار درخشان، هیچ گاه از تلاش در راه خدا توقف ننماید و هنگامی که کاری را به اتمام رساند، کار بزرگ تر و سخت تری را شروع کند تا از آثار آن نیز بهره مند شود.

### ترجمه مختصر:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (۱) «آیا فراخ نساختمتیم برایت سینه ات را؟».

«وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» (۲) «و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟».

«الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» (۳) «همان باری که پشت تو را سنگین کرده است؟».

«وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (۴) «و بلندی بخشیدیم یاد و ذکر تو را؟».

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (۵) «پس بی گمان در کنار دشواری آسانی است».

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (۶) «به یقین در کنار دشواری آسانی است».

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (۷) «پس هنگامی که (در کار و بارت) فراغت یافتی، بکوش».

«وَأَلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (۸) «و به سوی پروردگارت روی آر».

### تفسیر مختصر سوره :

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (آیا ما سینه تو را نگشودیم ( و دلت را از بند غم حیرت رها نساختمیم ، و تاب تحمل نابسامانیهای محیط جاهلیت و سختیهای مسوولیت بزرگ نبوت را به تو عطاء نکردیم ؟).

مفسرین در توضیح «أَلَمْ نَشْرَحْ . . .» می فرمایند :

شرح صدر. کنایت از : سعه صدر، رهائی از غم و اندوه حیرت و ضلال پیش از نبوت، تاب تحمل مشکلات مسوولیت نبوت و رهبری ، صبر و حوصله در برابر ناملایمات محیط و دردهای کفار و مشرکان و دیگران است ( ملاحظه فرمائید سوره انعام / ۱۲۵ ، سوره زمر / ۲۲ ، سوره طه / ۲۵ ، سوره نحل / ۱۰۶ ) .

خواننده محترم!

اگر توجه فرموده باشید: در آیت « أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ » (ما تو را مشمول انواع نعمتها ساختیم ! ) پروردگار با عظمت ما با یک لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده و تسلی به پیامبر صلی الله علیه وسلم صحبت و خطاب فرموده است : «آیا ما سینه تو را گشاده نساختمیم».

منظور از « شرح صدر» در اینجا گسترش روح و فکر پیامبر به وسیله نور الهی و سکینه و آرامش خداداد می باشد، این توسعه می تواند مفهوم وسیعی داشته باشد که هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجتها و کارشکنیهای دشمنان و مخالفان. پیامبر صلی الله علیه وسلم الگوی کامل برای زندگی فردی و اجتماعی ما انسانها است؛ چراغ هدایتی است که جهان بشریت را روشنی بخشیده و با سیره و سخنش سنت های زیبا را پایه گذاری کرده و برنامه جامع سیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را ارائه فرموده است. از این روست که سیره و سخنان گهربار آن شخصیت بی بدیل توجهی ویژه می طلبد. یکی از سیره های پراهمیت آن حضرت شرح صدر است؛ سیره ای که خداوند در قرآن از آن با عظمت یاد می کند و آن را یکی از منت های بزرگ خویش بر می شمارد.

شرح صدر و گشادگی سینه پیامبر اسلام است که بار سنگین رسالت بر حضرتش قابل تحمل بود، بار سنگینی که پشت انسان را خم می کند.

همین شرح صدر است که او را در برابر همه ناملایمات سر بلند و پیروز می گرداند و خداوند آوازه اش را بلند می سازد. بهترین وسیله برای پیمودن راه حق و کمال، فراخی سینه و شرح صدر است. هر چه سینه فراختر باشد پرواز بلندتر است. سعه و گستردگی قلب و روح حبیب خدا تا آنجاست که بر ماسوای خداوند احاطه دارد و همه عالم ریزمخوار سفره نور و احسان آن رحمة للعالمین اند. هر چند قلم و بیان عاجز از درک روح بلند الهی آن بزرگوار است.

در تفسیر ( آیت ۱۲۵ سوره انعام ) مفسر انوار القرآن می نویسد: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّما يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» «پس هر که را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه وی را برای اسلام گشاده می کند» یعنی: دلش را باز و گشاده می کند تا اسلام را با سینه باز و منشرح بپذیرد.

در حدیث شریف به روایت عبدالرزاق، ابن جریر طبری و غیر ایشان آمده است: اصحاب از رسول الله صلی الله علیه وسلم راجع به این آیت پرسیدند ؛ یا رسول الله! چگونه سینه انسان راه یافته گشاده می شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نور یقذف فیه، فینشرح له ویفسح: نوری است که در او افکنده می شود پس سینه اش از آن نور، باز و

گشاده می‌شود». گفتند: آیا برای این گشادگی و انشراح، نشانه‌ای هم هست که با آن شناخته شود؟ فرمودند: «الإنابة إلى دار الخلود، والتجافی عن دار الغرور، والاستعداد للموت قبل لقاء الموت: آری! نشانه آن رجوع بهسوی سرای جاودانگی، دل برکندن از سرای غرور و فرار و آرام نگرستن در آن، و آمادگی برای مرگ قبل از روبه روشن شدن با آن است». همچنین در حدیث شریف آمده است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد: از مؤمنان چه کسی هوشیارتر و زیرکتر است؟ فرمودند: «بیشترین آنان در یادآوری از مرگ و بیشترین آنان در آمادگی برای بعد از مرگ». «و هر کس را که» خداوند «بخواد گمراه کند، سینه‌اش را تنگ می‌گرداند در نهایت تنگی» بهطوری که در آن هیچ جایی برای ایمان و هدایت نباشد. ابن‌کثیر می‌گوید: «یعنی سینه‌اش را برای پذیرش (لا اله الا الله) تنگ می‌گرداند تا بدانجا که این کلمه طیبه به آن وارد نمی‌شود». زجاج می‌گوید: «حرج، نهایت تنگی است». «چنان‌که گویی به‌رحمت در آسمان بالا می‌رود» زیرا کسی که به آسمان بالا رود، به دلیل فشار هوا و کمبود اکسیژن، سخت احساس سینه‌تنگی می‌کند، گویی نزدیک است که خفه شود.

گفتنی است که با اکتشافات جدید علمی، روشن شده که این تشبیه از معجزات قرآن کریم می‌باشد زیرا حقیقت علمی که این آیت به بیان آن پرداخته، در عصر نزول قرآن کریم شناخته شده نبود. آری! این آیت، حال معنوی کسی را که بهسوی اسلام فراخوانده می‌شود - درحالی‌که برای وی گمراهی مقرر شده است - به حالت حسی کسی تشبیه می‌کند که از بالا رفتن به سوی آسمان سخت احساس سینه‌تنگی می‌کند، گویی می‌خواهد خفقان بگیرد و این معنی که صعود به بالا سبب نفس تنگی می‌شود در روزگار نزول قرآن کریم شناخته شده نبود.

و علامه عبدالرحمن سعدی رحمة الله در تفسیر خود می‌نویسد:

«خداوند متعال در حالی که علایم و نشانه‌های خوشبختی و هدایت، و بدبختی و گمراهی را برای بندگانش بیان می‌دارد، می‌فرماید: هرکس سینه‌اش برای پذیرش اسلام گشاد شد، یعنی سینه و درونش وسیع و باز شد، و به نور ایمان روشن گردید و با روشنائی یقین زنده گشت و آرامش یافت؛ خوبی را دوست داشت و انجام دادن خیر و نیکی را زیبا یافت و از آن لذت برد و آن را دشوار ندانست، همانا این نشانه آن است که خداوند او را هدایت کرده و توفیق در پیش گرفتن درست‌ترین راه را به او ارزانی نموده است. و علامت کسی که خداوند می‌خواهد او را گمراه سازد این است که سینه‌اش را تنگ می‌گرداند. یعنی آن را در نهایت تنگی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که در آن جایی برای ایمان و یقین یافت نمی‌شود و در شبهات و شهوات فرو رفته، و خیری به او نمی‌رسد. و قلبش برای انجام کار خیر باز نمی‌گردد، و سینه‌اش آنگونه به تنگی و تپش می‌افتد که گویا به آسمانها بالا می‌رود، و به زور او را به این کار وادار می‌کنند، اما راهی برای رفتن به آسمان نمی‌یابد.

و این بدان سبب است که آنها ایمان ندارند. پس این امر باعث شده است که خداوند پلیدی و عذاب را بر آنها قرار دهد؛ چون آنها دروازه رحمت و نیکوکاری را به روی خود بسته‌اند. و این ترازویی است که در آن ظلم و ستمی وجود ندارد ، و راهی است که تغییر نمی‌کند. پس همانا هرکس ببخشد، و بدهد، و از خدا بترسد، و پرهیزگاری نماید، و آئین نیک را تصدیق کند، به زودی راه آسانی را در پیش پای او می‌گذاریم و آن را برایش آسان می‌گردانیم. و هرکس بخل ورزد، و خود را از خدا بی‌نیاز بداند، و آئین نیک را تکذیب کند، به زودی راه سختی را به او خواهیم نمود.

« وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ » «و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟». مفسرین در تفسیر کلمه « وَوَضَعْنَا » می‌نویسند: فرو آوردیم. پائین آوردیم.

«وزر» در لغت به معنی سنگینی است، کلمه (وزیر) نیز از همین معنی مشتق شده است، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش می‌کشد و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهکار.

بعضی از مفسرین (وزر) را به معنی بار سنگین (وحی) در آغاز نزول، تفسیر کرده اند.

بعضی نیز به ضلالت و گمراهی و لجاج و عناد مشرکان

و بعضی به اذیت و آزار فوق العاده آنها.

و بعضی به اندوه ناشی از وفات کاکایش ابو طالب و همسرش خدیجه و بالاخره بعضی به مسأله عصمت و پاکی

از گناه تفسیر کرده اند.

ولی ظاهراً همان تفسیر اول است .

هدف از آن بار کمرشکن غم و رنج حاصل از مشاهده کفر و شرک و تبهکاریها و خونریزیها و ستمگریها و

نابسامانیهای جامعه پیش از نبوت و تلاش و کوشش آن حضرت برای هدایت مردمان و دفع اذیت و آزار ایشان در

آغاز نبوت است .

قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت ، و دعوت به سوی توحید و

یکتاپرستی ، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است ، نه تنها پیامبر صلی الله علیه وسلم که همه

پیغمبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبه رو بودند و تنها با امدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند،

منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و سنگینتر بود.

«الذی أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟ «أَنْقَضَ»: سنگینی کرده بود . گرانبار

ساخته بود . مجازاً شکستن پشت معنی می دهد .

پروردگار با عظمت ما به ذکر موهبت دیگری از مواهب عظیم خود به پیامبر صلی الله علیه و سلم پرداخته می

افزاید : آیا ما بار سنگین را از تو برداشتیم؟! همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد (الذی انقض ظهرك).

(انق) از ماده (نقض) به معنی گشودن گره طناب، یا جدا کردن قسمتهای به هم فشرده ساختمان است، و (انتقاض) به

صدائی گفته می شود که به هنگام جدا شدن قطعات یک تعمیر از يك دیگر به گوش می رسد، و یا صدای مهره های

کمر به هنگامی که زیر بار سنگینی قرار می گیرد.

این کلمه در مورد شکستن پیمانها و قراردادهای نیز به کار می رود و می گویند فلان کس نقض عهد کرد.

به این ترتیب آیت فوق می گوید: خداوند آن بار سنگین و کمرشکن را از تو برداشت.

این کدام بار بود که خداوند از پشت پیامبرش برداشت؟ قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات

رسالت و نبوت و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است ، نه تنها

پیامبر صلی الله علیه وسلم ، که همه پیامبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبه رو بودند، و تنها با

امدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و

سنگین تر بود.

ادامه دارد